

فدایی خلق عباس سورکی



۱۳۱۵-۱۳۵۴



عباس در سال ۱۳۱۵ در شاهرود به دنیا آمد. در سال های ملی شدن نفت از فعالین سازمان جوانان حزب توده بود. سال های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تماس خود را با رفقای هم شهری اش حفظ کرده و در سال ۱۳۳۹ به اتهام تشکیل گروهی به نام « رزم آوران حزب توده » بازداشت و از خود زیر شکنجه های وحشیانه دژخیمان مقاومت بی نظیری نشان می دهد. در زندان با بیژن جزنی آشنا می گردد و این آشنایی به بحث و تبادل نظر پیرامون مبارزات دموکراتیک می کشد. عباس پس از آزادی مجدداً به سازماندهی رفقاییش پرداخته و در سال های ۴۱ تا ۴۲ در پروسه شناخت از چگونگی ادامه مبارزه، همراه با رفقاییش درصدد تدارک مبارزه مسلحانه برمی آیند.

در سال ۱۳۴۴ عباس با رفیق حسن ضیاظریفی از گروه بیژن برای آغاز مبارزه وارد بحث می گردد و در ادامه مذاکرات دو گروه به وحدت می رسند.

عباس در این دوره کارمند بانک مرکزی بود و در مرکزیت گروه و در تیم شهر یکی از افراد برجسته به حساب می آمد. وی در تاریخ ۱۹ دی ماه ۱۳۴۴ در حالی که دو قبضه اسلحه کمربند از فردی خودفروخته به نام ناصرآقایان که از هم شهری هایش بود تحویل گرفته و قصد رد کردن آن به جزنی را داشت مورد حمله پلیس قرار می گیرد و دستگیر می گردد. بلافاصله پس از دستگیری زیر شدیدترین شکنجه ها قرار گرفته و ۱۲ روز بی انقطاع مقاومت جانانه ای می کند. سورکی بوسیله میز آهنی سوزانده می شود و همراه با عزیز سرمدی و دیگر اعضای گروه از اولین قربانیان این ابزار شکنجه بود. ابزاری که ساواک به اختراعش همیشه به خود می بالید.

عباس در دادگاه نظامی و در مقابل ناظران بین المللی از اعمال شکنجه نسبت به او و دیگران سخن می گوید. پس از انتقال به زندان قصر به اتفاق کلانتری و عزیز سرمدی تدارک فرار از زندان را می بینند. شب هنگام موقعی که هر ۳ نفر از محوطه زندان خارج شده و او و سرمدی در پشت بام و کلانتری حتی به باغ هم رسیده بود به علت حمله قلبی ای (عباس سال ها بود که از بیماری قلبی رنج می کشید.) که به او دست می دهد از حرکت باز می ایستد و با سر رسیدن مامورین ، نقشه فرار عقیم می ماند.

باردیگر عباس و رفقاییش به زیر شکنجه برده می شوند و با دستبند و پابند به « گاودانی » انداخته می شوند. به دنبال اعتصاب غذای زندانیان سیاسی به عنوان اعتراض به شکنجه این رفقا ، پلیس عباس را مثل سایرین به زندان مخوف برازجان تبعید می کند.

در دوران زندان با وجود ناراحتی از زخم معده و بیماری قلبی اش ، با اراده ای استوار بر تمام این ناملايمات چيره گشته و با چهره ای مصمم در مقابل دشمن می ایستاد.
رفیق عباس در اواخر سال ۱۳۵۲ به زندان قصر منتقل می گردد و تا اواسط سال ۱۳۵۳ آن جا نگاه داشته می شود و سپس به اوین منتقل می گردد. در ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ همراه با ۸ رفیق زندانی دیگر در تپه های اوین به جوخه اعدام سپرده می شود. **یادشان گرامی باد !**

سازمان اتحاد فداییان خلق ایران - ۱۳۸۲